

تأثیر کیفیت حسابداری بر بیش اطمینانی مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه: رویکرد چند بُعدی ترکیبی

رضا ممشلی*، علی کارشناسان**

چکیده

این مقاله با استفاده از تکنیک داده‌های تلفیقی به بررسی اثر کیفیت حسابداری بر بیش اطمینانی مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه شرکت‌های ایرانی می‌پردازد. بدین منظور اطلاعات مالی ۱۷۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ (۱۲۱۸ سال-شرکت) بررسی شده است. ویژگی‌های مورد مطالعه برای کیفیت حسابداری در این پژوهش شامل؛ تخصص حسابداری در صنعت، شهرت حسابداری، دوره تصدی حسابداری و استقلال حسابداری هستند. برخلاف مطالعات قبلی این پژوهش از رویکردی چند بُعدی برای عملیاتی کردن کیفیت حسابداری استفاده می‌کند. به علاوه احتمال گزارشگری متقلبانه نیز با استفاده از دو شاخص احتمال تقلب و مدیریت سود اندازه‌گیری شده است. نتایج پژوهش با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره، نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد، کیفیت حسابداری اثر منفی و معناداری بر احتمال تقلب و مدیریت سود دارد. اما، رابطه معناداری میان کیفیت حسابداری و بیش اطمینانی مدیران یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: احتمال گزارشگری متقلبانه، بیش اطمینانی مدیران، کیفیت حسابداری، رویکرد چند بُعدی (ترکیبی).

مقدمه

گروه کثیری از استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، به اطلاعاتی اتکا می‌کنند که به شکل صورتهای مالی و یادداشت‌های توضیحی توسط مدیران تهیه و ارائه می‌شوند. تحقیقات اخیر مشخص کرده است که سرمایه‌گذاران در فرایند تصمیم‌گیری، شرکت‌هایی را انتخاب می‌کنند که سود آنها از پایداری بالاتر و در واقع از کیفیت بالاتری برخوردار است. از طرفی در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جانبی قرار می‌گیرند، مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا رقم سود منعکس شده در صورتهای مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورتهای مالی و به ویژه سرمایه‌گذاران شوند (پاک مرام و بحری، ۱۳۹۶). مجموعه این اقدامات جنبه‌های منفی و مثبتی دارد. جنبه مثبت شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین و اخلاق حرفه‌ای اجرا می‌شود؛ در حالی که جنبه منفی این اقدامات می‌تواند به فریب و تقلب در گزارشگری مالی بینجامد (قادری و قادری، ۱۳۹۶). اگرچه مسئولیت کشف تقلب و اشتباه با مدیریت و افراد عهده‌دار راهبری شرکت است اما مطابق با استانداردهای جدید حسابرسی (استاندارد حسابرسی ۲۴۰)، حسابرسان ملزم هستند که حسابرسی خود را با نگرش تردید حرفه‌ای و ذهنی پرسشگر برنامه‌ریزی و انجام دهند یعنی ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که به ارائه نادرست با اهمیت در صورتهای مالی منجر گردد. ناکامی در کشف گزارشگری متقلبانه در انجام کار حسابرسی می‌تواند حسابرسان را در معرض پیامدهای حقوقی و قانونی نامساعدی قرار دهد. این امر به هزینه‌های دعاوی حقوقی قابل توجه برای حسابرسان و صدمات جبران‌ناپذیر به شهرت آنها منجر می‌شود (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۶).

از طرف دیگر، نوعی عامل رفتاری و روانی نیز، به نام بیش‌اطمینانی می‌تواند به وقوع تقلب در گزارشگری مالی منجر شود. بیش‌اطمینانی، یکی از جدیدترین مفاهیم مالی رفتاری است که هم در تئوری‌های مالی و هم روان‌شناسی به جایگاه ویژه‌ای دست یافته است (عرب‌صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴). بیش‌اطمینانی موجب می‌شود فرد توانایی‌های خود را بیشتر و ریسک‌ها را کمتر از حد معمول تخمین زده و احساس کند که قادر به کنترل مسائل و رویدادهاست؛ در حالی که ممکن است این گونه نباشد (نوفسینگر^۱، ۲۰۰۱).

شراند و زچمن عنوان کردند که بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود، تحریف در صورت‌های مالی را در پی خواهد داشت که می‌تواند به صورت عمدی یا غیرعمدی باشد. بر اساس نظر آنها بیش اطمینانی با خوش بینی هدفدار در ارتباط است و موجب می‌شود مدیران تحریف عامدانه انجام دهند که در نتیجه سبب می‌شود شرکت در سراسیمه‌ی مسیر تحریف‌های عمده گام بردارد (شراند و زچمن^۲، ۲۰۱۲). بر مبنای این ملاحظات، در پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت حسابرسی، پژوهشگران برخی از پنج مؤلفه معرفی شده از قبیل: اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت، شهرت حسابرس، دوره تصدی حسابرس و استقلال حسابرس را به عنوان کیفیت حسابرسی در نظر گرفته و اثر هر یک از آنها را به طور جداگانه بر عوامل مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در این پژوهش، برخلاف تحقیقات داخلی و خارجی انجام گرفته، برای اولین بار است که کیفیت حسابرسی با استفاده از رویکرد داده‌های تلفیقی اندازه‌گیری می‌شود. این رویکرد، کیفیت حسابرسی را با قابلیت اتکای بالاتری اندازه‌گیری می‌کند و نتایج حاصله از آن نسبت به پژوهش‌هایی که شاخص‌های کیفیت حسابرسی را به طور مجزا بررسی می‌کنند قابل اعتمادتر است. لذا هدف اصلی از تحقیق حاضر تعیین اثر کیفیت حسابرسی بر بیش اطمینانی مدیران، احتمال تقلب و مدیریت سود از طریق جمع آوری شواهد تجربی می‌باشد. در تحقیق حاضر ابتدا در بخش مبانی نظری تحقیق به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر بیش اطمینانی مدیران، احتمال تقلب و مدیریت سود تشریح شده است و مرتبط ترین پیشینه‌های تحقیق در این خصوص ارائه شده است، سپس به بیان روش تحقیق، یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری و پیشنهادات پرداخته شده است.

مبانی نظری و فرضیه‌ها

خدمات حسابرسی نقش مهمی در کاهش تقارن اطلاعاتی و کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران، سهامداران و اعتباردهندگان دارند (ویلنبرگ^۳، ۱۹۹۹؛ جنسن و مک لینگ^۴، ۱۹۷۶). از این رو، کیفیت حسابرسی نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. کیفیت حسابرسی مفهومی است که تعریف‌های متفاوتی برای آن ارائه شده است. دی آنجلو^۵ (۱۹۸۱) تعریفی دو بُعدی از کیفیت حسابرسی ارائه کرد: الف) تحریف با اهمیت باید کشف شود و ب) تحریف با اهمیت باید گزارش شود. به این ترتیب کیفیت حسابرسی

تابعی از توان حسابرسی در کشف تحریف و درجه استقلال است. پالمرز^۶ (۱۹۸۸) کیفیت حسابرسی را با احتمال این که صورتهای مالی فاقد تحریف با اهمیت باشد تعریف کرد. دیویدسون و نو (۱۹۹۳) کیفیت حسابرسی را به عنوان توانایی حسابرس در کشف و برطرف کردن تحریف و دستکاری در سود گزارش شده، تعریف کردند. صرف نظر از تعاریف متفاوت کیفیت حسابرسی، اندازه گیری کیفیت حسابرسی دشوار است و کیفیت حسابرسی به طور مستقیم قابل مشاهده نیست (به خصوص برای اعتباردهندگان و سرمایه گذاران). مطابق با نوشته‌های پیشین این موضوع قابل استدلال است که کیفیت حسابرسی وابسته به استقلال و صلاحیت حسابرس است (از قبیل واتز و زیمرمن^۷، ۱۹۸۶)، که در استانداردهای حسابرسی تشریح شده است (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۴).

بیش اطمینانی یا اعتماد بیش از حد به خود را می توان اعتقادی بی اساس درباره توانایی های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد تعریف کرد. بیش اطمینانی^۸ از مهمترین ویژگی های شخصیتی مدیران است که بر ریسک پذیری تأثیر بسزایی دارد. مدیران بیش اطمینان به دلیل اعتماد به نفس کاذب، بازده های آتی پروژه های واحد تجاری را بیشتر برآورد می کنند. از این رو، ممکن است احتمال وقوع و تأثیر شوک های مثبت جریان های نقدی آتی حاصل از این پروژه ها را بیشتر برآورد کنند و در مقابل برآورد کمتری از شوک های منفی داشته باشند. آنان بر این باورند واحدهای تجاری تحت مدیریتشان در بازار سرمایه کمتر از واقع ارزش گذاری شده و از این رو در مواردی که واحد تجاری به تأمین مالی نیاز داشته باشد، انتشار اوراق بدهی را به انتشار سهام ترجیح می دهند (حسینی القار و رحیمیان، ۱۳۹۶). علت وجودی بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود، آرامشی است که افراد از آن به دست می آورند. بیش اطمینانی با نسبت دادن موفقیت ها به خود، به مرور زمان افزایش می یابد (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳). در واقع بیش اطمینانی مدیران، اعتقادی بی اساس درباره توانایی های شناختی، قضاوت ها و استدلال شهودی وی است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۴).

کیفیت حسابرسی و بیش اطمینانی مدیران

تحقیقات پیشین نشان می دهد ویژگی های شخصیتی افراد در احتمال ارتکاب به تقلب در گزارشگری مالی، نقش کلیدی دارد (کوهن و همکاران، ۲۰۱۰؛ باسلی و همکاران، ۱۹۹۹). بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود، در برآورد حسابرس از خطر تحریف

گزارش‌های مالی ناشی از تقلب صاحبکار تأثیر می‌پذیرد (جانسون و همکاران، ۲۰۱۳). مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) معتقدند که بیش اطمینانی مدیران می‌تواند بر ارزیابی ریسک گزارشگری مالی توسط حسابرسان اثرگذار باشد، چرا که مدیران دارای بیش اطمینانی، احتمال رویدادهای مساعد را بر جریانهای نقدی شرکت بیشتر از واقعیت برآورد کرده و احتمال رویدادهای نامساعد را کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند. در این صورت می‌توان گفت که احتمال وقوع اشتباه در گزارش سود به دلیل نگرش‌های خوش بینانه مدیریت افزایش می‌یابد (شراند و زچمن، ۲۰۱۱)، در نتیجه احتمال ارائه مجدد گزارش‌های مالی و مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد (هسیه، بدارد و جانستون^۹، ۲۰۱۴). دوئلن، هارویتز و سان^{۱۰} (۲۰۱۵) ارتباط مستقیم بین افزایش خطر تحریف صورتهای مالی و بیش اطمینانی مدیران را تأیید کردند. شراند و زچمن (۲۰۱۱) نیز این مطلب را تأیید می‌کنند و معتقدند که اعتماد به نفس زیاد، گرایش به تقلب را افزایش می‌دهد. بنابراین، در این شرایط مفهوم کیفیت حسابرسی به عنوان عاملی بازدارنده جهت رفتارهای فرصت طلبانه مدیران اهمیت می‌یابد. بنابراین، با توجه به مبانی نظری بیان شده در بالا فرضیه اول تحقیق به شکل زیر ارائه می‌گردد:

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر بیش اطمینانی مدیران دارد.

کیفیت حسابرسی و احتمال گزارشگری متقلبانه

همان طور که در بخش مقدمه بیان شده است، در اکثر پژوهش‌هایی که در زمینه کیفیت حسابرسی انجام شده است، پنج مؤلفه: اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در صنعت، شهرت حسابرسان، دوره تصدی حسابرسان و استقلال حسابرسان مورد بررسی قرار گرفته است و اثر هر یک از آنها به طور جداگانه بر روی گزارشگری متقلبانه بررسی شده است. اما، در این پژوهش سعی شده است ابتدا به بررسی تمامی شاخص‌های معرفی شده کیفیت حسابرسی که بر روی شناسایی گزارشگری متقلبانه اثرگذار بوده‌اند پرداخته و شناسایی شوند و سپس اثرات تمامی شاخص‌های مؤثر را با استفاده از یک مدل ترکیبی بر روی احتمال گزارشگری متقلبانه بررسی کنیم. رابطه آنها با احتمال گزارشگری متقلبانه مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در نهایت با تشخیص مهمترین عوامل کیفیت حسابرسی که بر کشف گزارشگری متقلبانه تأثیر دارد را به طور ترکیبی از آن بهره برده شود در زیر

به مرور پیشینه این شاخص‌ها جهت انتخاب این عوامل در مدل ترکیبی می‌پردازیم تا مهمترین شاخص‌هایی که با احتمال گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری دارد مشخص شود.

اندازه مؤسسه حسابرسی و کشف گزارشگری مالی متقلبانه

در حالی که مراجع تنظیم مقررات حسابداری بر این نکته اصرار دارند که کیفیت کار حسابرسی، به کوچکی یا بزرگی مؤسسه بستگی ندارد، بسیاری مدعی هستند که مؤسسه‌های بزرگ نسبت به مؤسسه‌های کوچک، کیفیت بیشتری در کار حسابرسی پدید می‌آورند. پژوهش‌های قبلی به نتایجی می‌رسید که ترکیبی از هر دو فرضیه بود؛ شاید به این دلیل که اندازه‌گیری کیفیت کار حسابرسی ساده نبود (حساس یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹). یکی از اولین پژوهش‌ها در این زمینه را دی آنجلو (۱۹۸۱) به‌عمل آورد. او معتقد است مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند، زیرا علاقه‌مندند شهرت بهتری در بازار کار به‌دست آورند و از آن‌جا که تعداد صاحبکارانشان زیاد است، نگران از دست دادن آنها نیستند (دانگ لی^{۱۱}، ۲۰۰۴). در پژوهش لوئیس^{۱۲} (۲۰۰۵) مشخص شد، مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر معمولاً خدمات بهتری را نسبت به مؤسسات کوچک‌تر ارائه می‌دهند. اما مواردی هم یافت شد که مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر مشاوره بهتری را به صاحبکاران خود ارائه می‌دهند (لوئیس، ۲۰۰۵). تالی در سال ۲۰۰۶ ریسک چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ را برآورد کرد که به‌طور واقعی خسارتی بالغ بر یک میلیارد دلار را در عرض پنج سال به شرکت‌های بزرگ پرداخت نموده است و نشان داد مؤسسات بزرگ حسابرسی نیز همانند مؤسسات کوچک متحمل قصور حسابرسی می‌شوند (میکائیل، مایر و رینگز^{۱۳}، ۲۰۰۷). در همین راستا، در طی پژوهشی که توسط حساس یگانه و آذین‌فر (۱۳۸۹) صورت گرفت به وجود رابطه معنادار و معکوس بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی منجر شد. با توجه به مطالب بیان شده در بالا نمی‌توان با قطعیت گفت که شاخص اندازه مؤسسه حسابرسی همواره شاخص خوبی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی بوده است.

تخصص حسابرس در صنعت و احتمال گزارشگری متقلبانه

تخصص حسابرس در صنعت جنبه مهمی از کیفیت حسابرسی است. دانش متخصصان در صنعت خاص از طریق تجربه کار حسابرسی، آموزش پرسنل متخصص و

سرمایه گذاری‌های گسترده در فناوری اطلاعات توسعه می‌یابد. در مقایسه با حساب‌برسان غیرمتخصص، حساب‌برسان متخصص در صنعت می‌توانند خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری برای مشتریان در محدود کردن رفتارهای اختیاری مدیران فراهم نمایند. بنابراین تخصص حساب‌برس در صنعت، عامل تمایز موسسات حسابرسی محسوب می‌شود. دان و می هیو^{۱۴} (۲۰۰۴) معتقدند که حساب‌برسان متخصص در صنعت، دانش و تجربه بیشتری نسبت به حساب‌برسان غیرمتخصص دارند. تحقیقات قبلی دان و میو (۲۰۰۴) نشان داد که تخصص حساب‌برس در صنعت با کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه مثبت دارد و تخصص حساب‌برسان نقش مهمی در نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی ایفا می‌کند. محققانی همچون کراسول^{۱۵} و همکاران (۱۹۹۵)، دی فاند و همکاران (۲۰۰۰)، بالسام^{۱۶} و همکاران (۲۰۰۳)، کریشان^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۳)، فرانسیس^{۱۸} و همکاران (۲۰۰۵) و ریچلت و وانگ^{۱۹} (۲۰۱۰) نشان دادند که کیفیت حسابرسی و کیفیت سود در شرکتهایی که از حساب‌برسان متخصص در صنعت بهره می‌برند، بیشتر است. در همین راستا، دان و می هیو (۲۰۰۴) بیان کردند که بکارگیری حساب‌برسان متخصص در صنعت مزایایی از قبیل کاهش هزینه در قالب حق الزحمه پایین حسابرسی، توانایی شناسایی موارد نادرست به منظور حمایت از شهرت حرفه‌ای را در پی دارد. مطابق با این دیدگاه، یافته‌ها آنها حاکی از رابطه مثبت بین تخصص حساب‌برس در صنعت و کیفیت افشای صورتهای مالی می‌باشد.

علاوه بر این، وان^{۲۰} و همکاران (۲۰۰۷) در ارزیابی تأثیر حساب‌برسان متخصص در صنعت بر کیفیت سود، بیان می‌کنند که وود حساب‌برسان متخصص در صنعت به ویژه در بهبود کیفیت سود در کشورهایی که محیط قانونی ضعیفی دارند، مؤثر است. ویلن برگ (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان می‌دهد که دو دلیل عمده باید یک موسسه‌ی حسابرسی در یک صنعت خاص تخصص داشته باشد. دلیل اول تأثیری است که این تخصص در ارتقای میزان اثربخشی عملیات حسابرسی دارد و دلیل دوم تأثیری است که این تخصص در افزایش میزان کارایی عملیات حسابرسی دارد.

اکثریت این یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود حساب‌برسان متخصص در صنعت، موارد بی‌نظمی و نادرستی در صورتهای مالی کشف می‌شود. این ارتباط به این دلیل است که حساب‌برسان متخصص در صنعت درک بهتری از فعالیتهای صاحبکار دارند.

شهرت حسابرس و احتمال گزارشگری متقلبانه

واتز و زیمرمن (۱۹۸۶)، معتقدند که شهرت و اعتبار، انگیزه‌ای برای حفظ استقلال حسابرسان است. کسب اعتبار از طریق گزارشگری موارد نقص پر هزینه است، اما پس از تحقق، تقاضا برای خدمات حسابرسی و حق الزحمه آنان افزایش یافته و اعتبار حسابرس بعنوان ضمانت استقلال وی تلقی می‌شود. بنستون (۱۹۷۵)، اعتقاد دارد که اهمیت کسب شهرت، انگیزه‌ای قوی برای حفظ استقلال حسابرسان است. دی آنجلو (۱۹۸۱) استدلال می‌کند که موسسات بزرگ حسابرسی خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری نسبت به سایر موسسات حسابرسی ارائه می‌دهند. بارتو^{۲۱} و همکاران (۲۰۰۰)، در پژوهش خود برای ارزیابی کیفیت حسابرسی از شش موسسه بزرگ حسابرسی استفاده کردند، آنان فرض کردند حسابرسی توسط این موسسات دارای حداکثر کیفیت است و شرکتهای صاحبکاری که به موسساتی غیر از این شش موسسه مشهور مراجعه می‌کنند، سعی در ارائه اقلام تعهدی اختیاری بیشتری برای مدیریت سود دارند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که شرکتهای صاحبکار موسسات غیر از شش موسسه مشهور، اقلام تعهدی اختیاری را به طور متوسط معادل ۲/۵ تا ۲/۱ درصد از کل دارایی‌ها، بیش از شرکتهای صاحبکار شش موسسه مشهور و بزرگ گزارش می‌کنند. موسسات بزرگ و دارای حسن شهرت حسابرسی، دارای منابع مالی و انسانی بیشتری هستند که بر صلاحیت حسابرس موثر است. از طرف دیگر، این موسسات به دلیل حجم بالای کار و شهرت خوب، از استقلال بیشتری نسبت به سایر موسسات برخوردارند. بطور مشابه، بکر^{۲۲} و همکاران (۱۹۹۸) کشف کردند، شرکتهایی که توسط پنج موسسه بزرگ حسابرسی می‌شوند در مقایسه با سایر شرکتهای اقلام تعهدی کمتری در اختیار دارند. در همین راستا، ژائو والدر^{۲۳} (۲۰۰۴) و آهسن^{۲۴} (۲۰۱۱) معتقدند که شرکتهای حسابرسی شده توسط چهار موسسه بزرگ، اقلام تعهدی کمتری در مقایسه با شرکتهایی دارند که توسط موسسات بزرگ حسابرسی نشده‌اند. در واقع، فرض بر این است که کیفیت حسابرسی شرکتهایی که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می‌کنند نسبت به سایر شرکتهای بیشتر است، به این دلیل که آنها وابستگی کمتری به صاحبکاران خود دارند. به طور مشابه، فرانسیس و یو (۲۰۰۹) و چوی^{۲۵} و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که شهرت حسابرس شاخص مهم و تعیین کننده برای کیفیت حسابرسی است. این دو تحقیق نشان دادند که کیفیت حسابرسی در شرکتهایی که از موسسات بزرگ

حسابرسی استفاده می کنند، بالاتر است. بنابراین، احتمال کمتری وجود دارد که این شرکتها به گزارش درآمدهای کوچک مثبت یا افزایش کوچک در درآمدهای سال قبل تمایل داشته باشند. از سوی دیگر ممکن است حسابرسان هیچ نظارتی برای کاهش مدیریت اقلام تعهدی نداشته باشند، به این دلیل که کشف مدیریت واقعی سود نسبت به مدیریت اقلام تعهدی (مدیریت مصنوعی سود) برای حسابرسان و سهامداران مشکل تر است.

دوره تصدی حسابرس و احتمال گزارشگری متقلبانه

در پی رسوایی های مالی در سطح جهان و بروز نگرانی هایی در مورد توان اتکای صورتهای مالی نگرانی هایی در مورد استقلال حسابرسان پدیدار گشت. این نگرانی ها در مورد استقلال حسابرسان، باعث شد کمیته های نظارتی مربوط به بورس اوراق بهادار به فکر راه حل باشند تا جایی که قوانین نظارتی سرسختی برای کیفیت حسابرسی وضع شد که از جمله می توان به قانون چرخش اجباری حسابرسان و محدود کردن دوره تصدی آنها در برخی کشورها تصویب اشاره کرد (لی^{۲۶}، ۲۰۰۷)؛ بنابر تبصره (۲) ماده (۱۰) دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب ۸۶/۵/۸ شورای عالی بورس، مؤسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، دوباره سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند (قانون بازار سرمایه).

حامیان تغییر حسابرس بر این باورند که در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که خواهند توانست در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت، و قضاوت بی طرفانه ای را اعمال کنند. حضور طولانی مدت حسابرس در کنار صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نظر مدیریت صاحبکار می شود؛ وضعیتی که استقلال و بی طرفی او را مخدوش می کند. همچنین آنها تمایل حسابرسان را به حفظ صاحبکار از طریق حمایت از او دلیل دیگری برای تصویب قوانین محدود کننده مطرح می کنند؛ چرا که حسابرس در سال های اولیه فعالیت برای صاحبکار جدید متحمل هزینه های اولیه ای می گردد که به منظور جبران آنها، به حفظ صاحبکار خود تمایل دارد. در مقابل، مخالفان تغییر اجباری حسابرس عقیده دیگری دارند. به اعتقاد آنها عوامل دیگری هست که حسابرسان را به حفظ استقلال وادار می کند؛ به عنوان مثال تلاشی که حسابرسان در جهت حفظ اعتبار و شهرت به کار می گیرند و یا ترس از احتمال طرح دعاوی حقوقی

علیه آنها ساختارهایی است که مانع رفتارهای نامناسب حسابرسان می‌شود. آنها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان، شناخت بهتری از فعالیتهای صاحبکار به دست آورده و تجربظ بیشتری کسب می‌کنند و به این ترتیب توانایی آنها در مورد مناسب بودن یا نبودن روش‌های حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد. بنابراین، رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. همچنین، به اعتقاد آنها تغییر حسابرس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه‌گذاران بع اتکاپذیری صورتهای مالی کاهش، و از این رو اعتبار حسابرسی کاهش یابد. از سوی دیگر هزینه‌های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحبکار، افزایش خواهد یافت (کریمی و همکاران، ۱۳۹۰).

استقلال حسابرس و احتمال گزارشگری متقلبانه

استقلال حسابرسان در رابطه با حسابرسی و اظهارنظر نسبت به صورتهای مالی که توسط صاحبکار تهیه می‌شود دارای معانی مختلفی است. استقلال در این مورد یک عبارت هنری است. از آن جا که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، دولت و سایر استفاده‌کنندگان ممکن است بر اظهارنظر حسابرس تکیه کنند، استقلال حسابرس معنی خاصی پیدا می‌کند. بنابراین، حسابرس نه تنها نباید قضاوت خود را منوط به دیگران کند، بلکه باید از هرگونه نفع شخصی که ممکن است قضاوت وی را تحت تاثیر قرار دهد، مستقل باشد (عباس زاده و محمدی، ۱۳۹۳). ابوت^{۲۷} و همکاران (۲۰۰۰) استقلال حسابرسی و فعالیت در کاهش احتمال تقلب را بررسی و با استفاده از تحلیل رگرسیون لوجستیک دریافتند که شرکت‌های دارنده کمیته حسابرسی که ترکیبی از هیات مدیره غیرموظف هستند و دارای جلساتی حداقل دو بار در سال هستند؛ تمایل کمتری به تصمیم گزارشگری متقلبانه یا گمراه کننده دارند.

با توجه به مبانی نظری مطرح شده در بالا فرضیه‌های دوم و سوم تحقیق به شکل زیر ارائه می‌گردد:

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر احتمال تقلب دارد.

فرضیه سوم: کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد.

متغیرهای کنترلی و احتمال گزارشگری متقلبانه

در ادامه در خصوص نحوه انتخاب متغیرهای کنترلی این پژوهش بدلیل کثرت متغیرهای کنترلی انتخاب شده، به تشریح مبانی نظری برخی از آنها پرداخته شد.

اهرم مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه

پژوهش مذکور بیان می‌کند که اهرم مالی بالا به طور بالقوه باعث افزایش استفاده از ارقام تعهدی و سایر انتخاب‌های حسابداری افزایش دهنده سود می‌گردد. دلیل این کار تلاش در جهت پیش‌گیری از تخلف مفاد قراردادهای بدهی می‌باشد، از طرف دیگر افزایش اهرم مالی با کاهش میزان رفتارهای فرصت طلبانه‌ی مدیران باعث کاهش مدیریت سود و در نتیجه افزایش کیفیت سود می‌گردد.

اندازه شرکت و احتمال گزارشگری متقلبانه

همچنین، اندازه شرکت به عنوان فاکتوری از میزان در دسترس بودن اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد به این معنا که اطلاعات شرکت‌های بزرگ بیش از شرکت‌های کوچک در دسترس همگان قرار می‌گیرد و این موضوع باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های بزرگ می‌گردد، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ به دلیل کاهش هزینه‌های سیاسی و شرکت‌های کوچک برای اجتناب از زیان تمایل به استفاده از ارقام تعهدی و مدیریت سود دارند.

رشد فروش و احتمال گزارشگری متقلبانه

رشد فروش نیز یکی از معیارهای مورد توجه مالکان شرکت‌ها رشد فروش و سودآوری می‌باشد، لذا شرکت‌هایی که در سال جاری توانسته‌اند به رشد فروش مناسبی دست یابند برای جلوگیری از نارضایتی سهامداران و اجتناب از کاهش سود اقدام به دستکاری و افزایش سود از طریق ارقام تعهدی می‌نمایند.

جریان نقدی عملیاتی و احتمال گزارشگری متقلبانه

مبلغ جریان‌های ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، یکی شاخص‌های اصلی ارزیابی این موضوع است که عملیات واحد تجاری تا چه میزان به جریان‌های وجه نقد کافی جهت بازپرداخت وام‌ها، نگهداشت توان عملیاتی واحد تجاری و پرداخت سود سهام، منجر شده و انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید را بدون تمسک به منابع خارج از واحد تجاری، میسر کرده است، همچنین با توجه به اینکه پایین بودن مبلغ جریان‌های نقدی عملیاتی و یا منفی بودن آن یکی از نشانه‌های در ماندگی مالی می‌باشد، لذا این انتظار وجود دارد که میزان جریان‌های نقدی بر استفاده از ارقام تعهدی اختیاری و کیفیت سود تاثیرگذار باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳۳).

در نهایت، با بررسی رابطه بین شاخص‌های کیفیت حسابرسی و احتمال رخداد تقلب در شرکتها به این جمع‌بندی رسیدیم که از بین شاخص‌های کیفیت حسابرسی سه شاخص: تخصص حسابرس در صنعت، شهرت حسابرس و استقلال وی از جمله شاخص‌هایی هستند که می‌توان گفت به طور یقین بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبتی دارند و دو شاخص: اندازه مؤسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس در طول دوره‌های زمانی مختلف نتایج متفاوتی بر کیفیت حسابرسی داشته‌اند. با توجه به مطالب ارائه شده در مورد شاخص‌های کیفیت حسابرسی، در این پژوهش سعی شده است تأثیر چهار شاخص تخصص حسابرس در صنعت، شهرت حسابرس، دوره تصدی حسابرس و استقلال حسابرس را با استفاده از تکنیک تلفیق به‌عنوان یک شاخص واحد کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شود و به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر بیش اطمینانی مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه پرداخته شود.

پیشینه

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی اثر کیفیت حسابرسی و رعایت حقوق سهامداران بر احتمال گزارشگری متقلبانه پرداختند. آنها اندازه مؤسسه حسابرسی را به عنوان شاخص کیفیت سود در نظر گرفتند و با بررسی ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۸۹-۹۳ به این نتیجه دست یافتند که افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال تقلب و مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

اعتمادی و عبدلی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت‌های مالی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین اندازه حسابرس، دوره تصدی حسابرس، تخصص حسابرس در صنعت، مؤسسه حسابرسی متخصص در صنعت با طول دوره تصدی طولانی و امتیاز وضعیت کنترل و کیفیت حسابرسی با تقلب در صورت‌های مالی وجود دارد.

رحیمیان و حسنی القار (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بیش اطمینانی مدیریت تأثیر معناداری بر استفاده از حسابرس متخصص صنعت ندارد. همچنین بررسیها نشان داد هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، احتمال استفاده از حسابرس متخصص صنعت بیشتر است.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان "اثر تعدیلی تخصص حسابرس در صنعت بر ارتباط بین راهبری هیئت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی"، به این نتیجه دست یافتند که تخصص حسابرس در صنعت و استقلال هیأت مدیره تأثیر معکوس و معناداری بر مدیریت سود و استقلال هیأت مدیره در شرکت‌هایی که حسابسان متخصص صنعت آن را حسابرسی می‌کنند، نسبت به سایر شرکتها ضعیف‌تر است.

خرم (۱۳۹۳) به پژوهشی با عنوان تأثیر کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود در شرکت‌های با سهام گران قیمت پرداخت. در این پژوهش از معیارهای قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری (غیر منتظره)، کیفیت ارقام تعهدی، پایداری سود، قابلیت پیش بینی سود، هموار سازی سود، به موقع بودن، محافظه کاری سود، تغییرپذیری سود و ارتباط ارزشی سود به عنوان معیارهای سنجش کیفیت سود و از معیارهای اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت، دوره تصدی حسابرس و متغیر عاملی دوره تصدی و تخصص حسابرسی در صنعت به عنوان معیارهای تعیین کننده کیفیت حسابرسی استفاده شد. به طور کلی بین معیارهای اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و متغیر تعاملی تخصص در صنعت و دوره تصدی حسابرس با متغیرهای کیفی سود رابطه ای مثبت مشاهده شد و بین متغیرهای دوره تصدی حسابرس و سهام گران قیمت با متغیرهای کیفی سود به طور کلی رابطه منفی و اکثراً غیر معنادار مشاهده شد که نشان دهنده اثر معکوس آنها بر کیفیت سود می‌باشد. همچنین در تمام فرضیه‌ها، سهام گران قیمت باعث کاهش یا معکوس شدن اثر متغیرهای کیفی حسابرسی بر متغیرهای کیفی سود می‌شود.

راسمین ۲۸ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر مازاد وجه نقد آزاد و کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود، شواهدی از سه کشور توسعه یافته، به بررسی این متغیرها در دوره زمانی بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ پرداختند و اطلاعات خود را از بورس سه کشور اندونزی، مالزی و سنگاپور استخراج نمودند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که کیفیت حسابرسی رابطه منفی با مدیریت سود دارد، همچنین نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی اثر معناداری بر رابطه بین مازاد جریان نقدی آزاد و مدیریت سود ندارد.

لیسک^{۲۹} و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تقلب در حسابداری، حسابرسی و نقش تحریم های دولت در کشور چین پرداختند. دوره زمانی پژوهش آنها سال‌های بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵

بود و تعداد ۵۳۷ شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین اندازه مؤسسه حسابرسی و تقلب در صورتهای مالی وجود دارد. ریجسنیل و کامندر^{۳۰} (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر تقلب پرداختند. آنها معتقدند که مدیران خودشیفته، به منظور بهبود جایگاه خود در شرکت، اجرای اقدامات جسورانه را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. نتایج پژوهش آنها نشان داد چنانچه بر تصمیم‌های مدیران نظارتی صورت نگیرد، خودشیفتگی بیش از حد مدیران می‌تواند به اعمال رفتار غیر اخلاقی از سوی مدیر منجر شده و منافع شرکت را به خطر بیندازد.

وان و همکاران^{۳۱} (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان رابطه بین کیفیت حسابرسی پیشرفته و مدیریت واقعی سود در ۱۸۰۰ شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ پرداختند، آنها در پژوهش خود ابتدا دریافتند که حسابرسان متخصص در صنعت و حسابرسان بزرگ حق الزحمه بیشتری را نسبت به سایر حسابرسان دریافت می‌کنند. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که حسابرسان متخصص در صنعت و حسابرسان بزرگ مدیریت واقعی سود را دچار محدودیت کرده اما حسابرسان با تصدی بالا با مدیریت واقعی سود رابطه مثبت دارند و تغییر حسابرس می‌تواند منجر به مدیریت سود کمتر، شود.

زنگین و اوزکان^{۳۲} (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود، با استفاده از ۲۱۵۲ مشاهدات سه ماهه شرکت‌ها در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ پرداختند، آنها دریافتند که چهار موسسه بزرگ حسابرسی، تخصص در صنعت و تصدی شرکت حسابرسی (به عنوان شاخص‌های کیفیت حسابرسی) اقلام تعهدی اختیاری (شاخصی برای مدیریت سود) را دچار محدودیت می‌کند.

روش‌شناسی

این پژوهش، از جهت همبستگی و روش‌شناسی تحقیق، از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد نوعی تحقیق کاربردی است. همچنین این پژوهش مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورتهای مالی، یادداشت‌های همراه صورتهای مالی و گزارش مجامع شرکت‌هاست. داده‌های لازم برای

اجرای پژوهش، از لوح فشرده ره آورد نوین جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار Eviews انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ در نظر گرفته شدند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری استفاده نشده است و کلیه شرکت‌هایی که شرایط زیر را دارا باشند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. شایان ذکر است، پس از اعمال محدودیت‌های فوق، ۱۷۴ شرکت انتخاب شدند که در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. روش انتخاب نمونه

ردیف	تعداد شرکت‌ها	شرح
۱	۴۸۸	کل شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۴ عضو بورس بودند.
۲	(۱۴۳)	شرکت‌هایی که طی سال ۱۳۹۴-۱۳۸۸ از بورس حذف شده یا وقفه طولانی داشتند.
۳	(۷۸)	شرکت‌هایی که از نوع تأمین‌کننده مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه بودند.
۲	(۶۹)	شرکت‌هایی که دوره مالی آنها پایان اسفندماه نبود.
۵	(۱۰)	شرکت‌هایی که در دوره بررسی (۱۳۹۴-۱۳۸۸) تغییر سال مالی داشتند.
۶	(۱۴)	شرکت‌هایی که اطلاعات مالی آنها در دسترس نبود.
	۱۷۴	تعداد شرکت‌های انتخاب شده

شایان ذکر است که با توجه به جدول بالا و انتخاب ۱۷۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ذکر شده، تعداد ۱۲۱۸ سال-شرکت (مشاهده) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مدل‌ها و متغیرها

مدل رگرسیون فرضیه‌های پژوهش به شرح مدل‌های ۱ تا ۳ است:

$$MO_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \alpha_6 EXPORT_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 SRC_{it} + \alpha_9 BOI_{it} + \alpha_{10} AGE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱) \text{ مدل}$$

$$PROBM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \alpha_6 EXPORT_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 SRC_{it} + \alpha_9 BOI_{it} + \alpha_{10} AGE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \alpha_6 EXPORT_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 SRC_{it} + \alpha_9 BOI_{it} + \alpha_{10} AGE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در این رابطه‌ها، *MO* بیش‌اطمینانی مدیران، *PROBM* معرف احتمال تقلب، *EM* مدیریت سود، *AQ* کیفیت حسابرسی، *OLEV* اهرم عملیاتی، *SIZE* اندازه شرکت، *GROWTH* رشد فروش، *OCF* وجه نقد عملیاتی، *EXPORT* صادرات، *IO* مالکیت نهادی، *SRC* سهامدار دارای حق کنترل، *BOI* استقلال هیئت مدیره، *AGE* سن شرکت و ε جزء خطا است.

متغیرهای وابسته

الف. بیش‌اطمینانی مدیران (*MO*):

در این پژوهش برای اندازه‌گیری بیش‌اعتمادی مدیریت همچون پژوهش‌های شراند و زچمن (۲۰۱۲)، احمد و دوئلن^{۳۳} (۲۰۱۳)، فروغی و نخبه‌فلاح (۱۳۹۳)، عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) و مرادی و قدیریان آرانی (۱۳۹۶) از شاخص سرمایه‌گذاری بیش از حد دارایی‌ها استفاده شده است. سرمایه‌گذاری بیش از حد دارایی‌ها از باقیمانده مدل رگرسیونی رشد دارایی‌ها بر رشد فروش بر مبنای سال-صنعت محاسبه می‌شود. سریع‌تر بودن رشد دارایی‌ها نسبت به رشد فروش نشان‌گر این است که مدیر نسبت به شرکتهای مشابه (متوسط صنعت) سرمایه‌گذاری بیشتری انجام داده است. بنابراین مثبت بودن باقیمانده این الگو رگرسیونی نشانگر سرمایه‌گذاری بیش از حد در دارایی‌ها و اعتماد بیش از حد مدیریت است (احمد و دوئلن، ۲۰۱۳). رابطه رگرسیونی یاد شده به شرح زیر است:

$$AG_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در رابطه بالا، *AG* رشد دارایی‌ها، *SG* رشد فروش، *AQ* کیفیت حسابرسی و ε شاخص سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها است.

ب. احتمال تقلب (PROBM):

متغیر وابسته در فرضیه‌های پژوهش، احتمال تقلب می‌باشد که به پیروی از پژوهش انجام شده توسط کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵) می‌باشد. برای اندازه‌گیری احتمال تقلب از مدل تعدیل شده بنیش^{۳۴} به شرح رابطه (۲) استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{PROBM} = & 0.002 + 0.665 (TATA) + 0.257 (LVGI) \\ & + 0.024 (SGAI) - 0.641 (DEPI) + 0.190 (SGI) \\ & + 0.004 (AQI) - 0.032 (GMI) + 0.061 (DSRI) \end{aligned} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در مدل تعدیل شده بنیش به شرکت‌های دستکاری کننده سود عدد یک و شرکت‌های غیر دستکاری کننده، عدد صفر، اختصاص می‌یابد. نقطه انقطاع این مدل ۰/۵ می‌باشد. بنابراین، اگر مقدار PROBM بیشتر از ۰/۵ باشد، به احتمال زیاد شرکت دستکاری کننده سود است (کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۵).

که PROBM، احتمال دستکاری سود یا به عبارتی احتمال تقلب می‌باشد و شامل هشت متغیر است که با استفاده از اطلاعات صورتهای مالی به صورت زیر محاسبه می‌شوند (کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۵).

۱. شاخص TATA: برای محاسبه این نسبت اقلام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان نقدی) بر کل دارایی‌ها تقسیم شود و این نسبت برای هر سال محاسبه می‌شود. در این رابطه ACC_t ، اقلام تعهدی می‌باشد.

$$TATA = \frac{ACC_t}{ASSETS_t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

۲. شاخص LVGI: شاخص اهرم مالی می‌باشد. در صورتی که این نسبت بزرگتر از یک باشد میزان اهرم و استفاده از بدهی‌ها در سال جاری نسبت به سال قبل افزایش یافته است که افزایش در بدهی‌ها، زمینه لازم برای سود و تقلب را ایجاد می‌نماید. بنابراین انتظار می‌رود رابطه مثبتی بین LEVI و تقلب وجود داشته باشد. در این رابطه LTD_t ، جمع بدهی‌های بلندمدت و CL_t جمع بدهی‌های جاری است.

$$LVGI = \frac{LTD_t + CL_t / ASSETS_t}{LTD_{t-1} + CL_{t-1} / ASSETS_{t-1}} \quad \text{رابطه (۴)}$$

۳. شاخص SGAI: افزایش این شاخص نشان دهنده کاهش بهره‌وری واحدهای اداری و فروش می‌باشد. به عبارت دیگر نوعی عدم تناسب بین هزینه‌های اداری و فروش با مبلغ فروش وجود دارد. در این رابطه، $SGA.EXP$ ، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش می‌باشد.

$$SGAI = \frac{SGA.EXP_t / SALES_t}{SGA.EXP_{t-1} / SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه (۵)}$$

۴. شاخص DEPI: شاخص هزینه استهلاک می‌باشد. در صورتی که این نسبت بزرگتر از یک باشد نشان دهنده این است که هزینه استهلاک سال جاری نسبت به سال گذشته کاهش یافته است که این کار ممکن است از طریق افزایش در عمر مفید دارایی‌ها و یا تغییر در روشهای استهلاک انجام شده باشد، بنابراین انتظار رابطه مثبتی بین DEPI و احتمال تقلب وجود دارد. در این رابطه DEP ، هزینه استهلاک است.

$$DEPI = \frac{DEP_{t-1} / PPE_{t-1}}{DEP_t / PPE_t} \quad \text{رابطه (۶)}$$

۵. شاخص SGI: شاخص رشد فروش می‌باشد که به طور کلی افزایش این شاخص نشان دهنده تقلب و تحریف نمی‌باشد، اما مدیران شرکتهای بزرگ همواره تحت فشارهای زیادی در رابطه با تأمین مالی و افزایش قیمت سهام می‌باشند. در این شرکتها در صورتی که رشد فروش منفی باشد، قیمت سهام کاهش یافته و هزینه‌های زیادی را برای مدیران ایجاد می‌نماید.

$$SGI = \frac{SALES_t}{SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه (۷)}$$

۶. شاخص AQI: شاخص کیفیت دارایی می‌باشد. اگر این شاخص بزرگتر از یک باشد، شرکت به طور بالقوه هزینه‌های معوق و دارایی‌های نامشهود را افزایش داده است. بنابراین احتمال دستکاری سود (تقلب) افزایش می‌یابد. در این رابطه CA ، جمع دارایی جاری، PPE ، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و $ASSETS$ ، مجموع دارایی‌هاست.

$$AQI = \frac{1 - (CA_t + PPE_t)/ASSETS_t}{1 - (CA_{t-1} + PPE_{t-1})/ASSETS_{t-1}} \quad \text{رابطه (۸)}$$

۷. شاخص GMI: شاخص حاشیه سود ناخالص (GMI)، از رابطه (۱۱) به دست می آید. اگر GMI بزرگ تر از یک باشد، حاشیه ناخالص بسیار تنزل یافته است. ضعیف شدن حاشیه سود ناخالص به معنای علامت منفی از چشم انداز شرکت است و احتمال دستکاری سود افزایش می یابد در این رابطه COG بهای تمام شده کالای فروش رفته است.

$$GMI = \frac{SALES_{t-1} - COG_{t-1}/SALES_{t-1}}{SALES_t - COG_t/SALES_t} \quad \text{رابطه (۹)}$$

۱. شاخص DSRI: این شاخص نشان دهنده این است که مطالبات و درآمدها، در دو دوره متوالی با یکدیگر همخوانی ندارد. افزایش بسیار زیاد در فروش های شرکت نشان دهنده تغییر در سیاست های اعتباری شرکت است در این رابطه REC میزان مطالبات و SALES میزان فروش می باشد.

$$DSRI = \frac{REC_t/SALES_t}{REC_{t-1}/SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه (۱۰)}$$

ج. مدیریت سود (EM):

متغیر وابسته در فرضیه سوم پژوهش، مدیریت سود است که براساس اقلام تعهدی اختیاری اندازه گیری می شود. اقلام تعهدی اختیاری اقلام قابل کنترلی هستند که مدیران با بکارگیری آنها می توانند سودهای سال های آتی را به سنوات اخیر منظور نموده و به این ترتیب سبب افزایش سود سالهای اخیر گردیده و در نتیجه پاداش خود را افزایش دهند. در مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) اقلام تعهدی اختیاری معادل تفاوت بین اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیر اختیاری می باشد که از طریق فرمول های زیر محاسبه می شوند (عرب کیاسری و عبدی، ۱۳۹۴):

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{i(t-1)}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{i(t-1)}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REV_{it}}{TA_{i(t-1)}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE}{TA_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۱۱)}$$

TAC_{it} کل اقلام تعهدی، $TA_{i(t-1)}$ جمع دارایی‌های ابتدای سال، ΔREV_{it} تغییر در فروش کل، ΔREC_{it} تغییر در حسابهای دریافتنی و PPE_{it} دارایی‌های ثابت می‌باشد.

متغیرهای مستقل

کیفیت حسابرسی

متغیر مستقل در این پژوهش، کیفیت حسابرسی می‌باشد. از آنجایی که این متغیر دربرگیرنده عوامل متعددی است و بررسی این عوامل به صورت مجزا، تحلیل ناقصی از شاخص کیفیت حسابرسی را به دنبال دارد، لذا در پژوهش حاضر از معیاری ترکیبی و چندبُعدی، جهت سنجش این متغیر استفاده شده است. استفاده از یک معیار چندبُعدی و ترکیبی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی دارای مزایایی همچون وارد نمودن یک متغیر در مدل رگرسیون به جای توجه جداگانه به هر یک از مولفه‌ها، توجه به بهینگی سازوکارهای خاص در سطح شرکت‌ها، جلوگیری از تکرار و دوباره کاری ویژگی‌ها است (صفرزاده، ۱۳۹۲).

به منظور تعیین مؤلفه‌های مرتبط با کیفیت حسابرسی در ایران، ابتدا شاخص‌ها و رهنمودهای موجود در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت که از جمله آنها می‌توان به پنج شاخص (اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت، شهرت حسابرس، دوره تصدی حسابرس و استقلال حسابرس) اشاره نمود. نتیجه مطالعه رهنمودها و شاخص‌های موجود با استفاده از پژوهش‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا همان‌طور که بیان شد برای سنجش کیفیت حسابرسی پنج مؤلفه مورد توجه قرار گرفته بود. لذا با بررسی پژوهش‌های پیشین و استفاده از نتایج آنها ۴ مؤلفه انتخاب گردید که عبارتند از: "تخصص حسابرس در صنعت، شهرت حسابرس، دوره تصدی حسابرس و استقلال حسابرس". دلایل حذف شاخص اندازه مؤسسه حسابرسی در قسمت مبانی نظری بیان گردید.

تخصص حسابرس در صنعت

در این پژوهش، سهم بازار شاخصی است که برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در صنعت استفاده می‌شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبا بالاتر است. همچنین داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) به این نکته اشاره دارد که حسابرس، به‌طور موفقیت آمیزی خودش را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسی

تمتایز می‌کند. همچنین تخصص حسابرس در صنعت بر اساس مطالعات دان و ویکنز (۲۰۰۳)، سان و لیو^{۳۵} (۲۰۱۳) و اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸)، از حاصل تقسیم مجموع دارایی‌های تمام کارفرمایان یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص، تقسیم بر مجموع دارایی‌های کارفرمایان آن صنعت به دست می‌آید. این متغیر تنها برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس مورد نظر در حسابرسی یک صنعت مشخص به کار می‌رود و مستقل از ویژگی اندازه شرکت مورد حسابرسی است (بادآور نهندی و تقی زاده، ۱۳۹۲). سپس میانگین این متغیر را برای شرکتهای مورد بررسی محاسبه می‌کنیم. در صورتیکه این نسبت برای یک شرکت از میانگین بیشتر باشد، به آن شرکت عدد یک و در غیر این صورت عدد ۰ لحاظ می‌شود.

شهرت حسابرس

واتز و زیمرمن (۱۹۸۶) استدلال می‌کنند که شهرت و اعتبار، انگیزه‌ای برای مستقل ماندن حسابرسان است. در این پژوهش شهرت حسابرس از حاصل تقسیم مجموع دارایی‌های تمام کارفرمایان یک مؤسسه حسابرسی خاص در کل بورس بر کل دارایی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به دست می‌آید. این متغیر تنها برای اندازه‌گیری شهرت حسابرس مورد نظر در حسابرسی کل شرکت‌های بورس به کار می‌رود و مستقل از ویژگی اندازه شرکت مورد حسابرسی است (بادآور نهندی و تقی زاده، ۱۳۹۲). سپس میانگین این متغیر را برای شرکتهای مورد بررسی محاسبه می‌کنیم. در صورتیکه این نسبت برای یک شرکت از میانگین بیشتر باشد، به آن شرکت عدد یک و در غیر این صورت عدد ۰ لحاظ می‌شود.

دوره تصدی حسابرس

برای اندازه‌گیری صحیح دوره تصدی، باید سالی در دسترس باشد که در آن حسابرس به استخدام واحد تجاری درآمده است. تعیین این تاریخ برای شرکت‌هایی که طی دوره زمانی پژوهش، حسابرس خود را تغییر داده‌اند، مشکل نیست؛ اما برای شرکت‌هایی که در تمامی طول دوره پژوهش از یک حسابرس استفاده کرده‌اند، تعیین سال اول شروع کار حسابرس با توجه به اطلاعات در دسترس، ممکن نیست (کرمی و همکاران، ۱۳۸۹). به این دلیل برای حداقل کردن تأثیرات هر گونه خطای اندازه‌گیری، مبنای سال اندازه‌گیری دوره

تصدی، از دو سال قبل از شروع دوره پژوهش در نظر گرفته می‌شود. برای مثال اگر سال پایه ۸۳ در نظر گرفته شود، به حسابرس شرکت مورد نظر عدد یک تعلق می‌گیرد. چنانچه شرکت مورد نظر حسابرس خود را برای سال‌های ۸۴ و ۸۵ تغییر نداده باشد، به ترتیب دوره تصدی دو و سه سال در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که شرکت مورد نظر برای مثال در سال ۸۶ حسابرس خود را تغییر دهد، برای سال ۸۶ بار دیگر دوره تصدی حسابرس از یک سال شروع می‌شود (بادآور نهندی و تقی زاده، ۱۳۹۲). سپس میانگین این متغیر را برای شرکت‌های مورد بررسی محاسبه می‌کنیم. در صورتیکه این نسبت برای یک شرکت از میانگین بیشتر باشد، به آن شرکت عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود.

استقلال حسابرس

در این پژوهش برای اندازه‌گیری استقلال حسابرس، از مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) به منزله شاخص معکوسی از کیفیت حسابرسی استفاده شده است. از آنجا که اقدام تعهدی اختیاری، در اختیار و قابل اعمال نظر از سوی مدیریت است، از آن به‌عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود (مشایخی، مهرانی، مهرانی و کرمی، ۱۳۸۴). در این پژوهش برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده می‌شود (عرب کیاسری و عبدی، ۱۳۹۴). سپس میانگین این متغیر را برای شرکت‌های مورد بررسی محاسبه می‌کنیم. در صورتیکه این نسبت برای یک شرکت از میانگین بیشتر باشد، به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک لحاظ می‌شود.

رابطه (۱۲)

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{i(t-1)}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{i(t-1)}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REV_{it}}{TA_{i(t-1)}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE}{TA_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it}$$

TAC_{it} کل اقلام تعهدی، $A_{i(t-1)}$ جمع دارایی‌های ابتدای سال، ΔREV_{it} تغییر در فروش کل، ΔREC_{it} تغییر در حسابهای دریافتنی و PPE_{it} دارایی‌های ثابت می‌باشد.

در زیر به‌طور خلاصه نحوه اندازه‌گیری شاخص‌های کیفیت سود ارائه شده است. این روش متدولوژی کدگذاری و انباشت کدها به‌منظور عملیاتی کردن متغیر مستقل استفاده شد. بر اساس این متدولوژی به هر کدام از چهار مؤلفه، امتیاز صفر و یا یک (با توجه به تعریف عملیاتی انجام شده) اختصاص یافته و از جمع زدن این امتیازها، نمره مربوط به هر شرکت در هر سال محاسبه می‌شود.

جدول ۲. نحوه محاسبه متغیرهای کنترلی

منبع	نحوه اندازه گیری	نام متغیر	نماد متغیر
ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)	از تقسیم بدهی های بلندمدت بر جمع دارایی ها محاسبه می شود	اهرم مالی	OLEV
ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)	از طریق لگاریتم فروش شرکت سنجیده می شود	اندازه شرکت	SIZE
ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)	بر اساس تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل به دست می آید	رشد فروش	GROWTH
ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)	از تقسیم وجه نقد عملیاتی دوره جاری به جمع دارایی های جاری محاسبه می شود	وجه نقد عملیاتی	OCF
علی نژاد و تارفی (۱۳۹۶)	برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سالهایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است	سن شرکت	AGE
مشایخی و سیدی (۱۳۹۴)	درصد مالکیت بانکها، بیمه، صندوق های بازنشستگی، شرکتهای سرمایه گذاری و شرکتهایی که فعالیت اصلی و تخصص آنها سرمایه گذاری است، در پایان سال محاسبه و منظور گردید	مالکیت نهادی	IO
علی نژاد و بحرینی (۱۳۹۲)	از تقسیم تعداد مدیران غیرموظف به مجموع مدیران حاصل می شود	استقلال هیئت مدیره	BOI
صفرزاده (۱۳۹۲)	در صورت عدم وجود سهامدار دارای حق کنترل، به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت، عدد یک اختصاص می یابد.	سهامدار دارای حق کنترل	SRC

یافته ها

آمار توصیفی و همبستگی متغیرها

به منظور آشنایی بیشتر با نمونه آماری و متغیرهای مورد مطالعه، خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه شده است. جدول ۳ نمای کلی آمار توصیفی متغیرها را نشان می دهد. با توجه به جدول ۳، میانگین متغیر احتمال تقلب ۰/۸۵ به دست آمده است؛ یعنی در ۸۵ درصد مشاهدات احتمال تقلب وجود دارد. با توجه به مجازی بودن این متغیر و داشتن ارزش های صفر و یک (عدد یک برای مشاهده احتمال تقلب است و عدد صفر برای حالتی است که در مشاهده احتمال تقلب وجود ندارد)، می توان گفت تعداد ۸۶۹ مشاهده (سال - شرکت) در بین مجموع مشاهدات مشکوک به احتمال تقلب هستند. میانه برای این متغیر صفر است که نشان می دهد ۵۰ درصد داده ها پایین تر از این مقدار و ۵۰ درصد بالاتر از آن قرار دارند. صفر بودن میانه به این معناست که بیشتر مشاهدات و حتی شرکت ها در حالت عدم احتمال تقلب به سر می برند. مقدار انحراف معیار برای این متغیر

۰/۳۶ به دست آمد که نشان می‌دهد متوسط نوسان از میانگین داده‌ها برای این متغیر برابر با ۰/۳۶ است.

جدول ۳. آمار توصیفی

نام متغیر	علامت اختصاری	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
بیش اطمینانی مدیران	EO	۰/۰۱	-۰/۰۴	۲/۰۴	-۰/۸۳	۰/۲۷
احتمال تقلب	PROBM	۰/۸۵	۱	۱	۰	۰/۳۶
مدیریت سود	EM	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۹۰	-۰/۶۴	۰/۱۲
کیفیت حسابرسی	AQ	۱/۴۶	۱	۴	۰	۱/۱۵
اهرم مالی	OLEV	۰/۱۱	۰/۰۵	۱/۳۷	۰	۰/۱۴
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۴۵	۱۳/۳۶	۱۹/۷۲	۸/۹۰	۱/۶۴
رشد فروش	GROWTH	۰/۲۳	۰/۱۸	۲/۷۳	-۰/۸۷	۰/۴۱
وجه نقد عملیاتی	OCF	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۶۴	-۰/۳۴	۰/۱۳
صادرات	EXPORT	۰/۶۱	۱	۱	۰	۰/۴۹
مالکیت نهادی	IO	۷۲/۶۱	۷۶/۷۶	۹۹/۴۵	۰	۱۹/۵۲
سهامدار دارای حق کنترل	SRC	۰/۴۹	۰	۱	۰	۰/۵۰
استقلال هیئت مدیره	BOI	۰/۶۷	۰/۶۰	۱	۰	۰/۱۹
سن شرکت	AGE	۲/۵۹	۲/۷۱	۳/۸۵	۰	۰/۵۸

حداکثر و حداقل محاسبه شده شاخص کیفیت حسابرسی چهار و صفر است این مقادیر به ترتیب نشان دهنده بالاترین و پایین ترین سطح کیفیت حسابرسی در شرکتها می‌باشد. با توجه به این دو مقدار متوسط کیفیت حسابرسی ۲ می‌باشد. مقدار میانگین برای این شاخص (۱/۴۶) نشان می‌دهد به طور میانگین کیفیت حسابرسی شرکتها در سطح پایین تر از متوسط قرار دارد. مقدار انحراف معیار به دست آمده برای این متغیر (۰/۴۷) نشان می‌دهد متوسط نوسان از میانگین داده‌ها برای این متغیر ۰/۴۷ است.

آزمون همبستگی متغیرها

در مدل رگرسیون، چنانچه همبستگی بین متغیرهای مستقل زیاد باشد، ممکن است به مخدوش شدن نتایج منجر شود. منظور از همبستگی زیاد، همبستگی بیش از ۰/۵۰ است. همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین متغیرها همبستگی بیشتر از ۰/۵۰ وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی

AGE	BOI	SRC	IO	EXP	OCF	GRO	SIZ	LEV	AQ	
۰/۰۴	-۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۲۰	-۰/۰۷	۰/۳۳	-۰/۰۵	۱	AQ
۰/۰۵	-۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۳	-۰/۰۸	-۰/۰۱	-۰/۱۰	۱		OLEV
-۰/۱۴	-۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۱۵	۰/۰۹	۱			SIZE
-۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۵	۱				GROWTH
-۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۲۱	۱					OCF
۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۲۰	۱						EXPORT
-۰/۱۰	-۰/۰۴	۰/۴۱	۱							IO
-۰/۰۵	-۰/۰۱	۱								SRC
-۰/۱۱	۱									BOI
۱										AGE

آزمون پنل^{۳۶} یا ترکیبی بودن^{۳۷} داده‌ها

برای آزمون داده‌ها، ابتدا باید پنل یا پول بودن داده‌ها را تشخیص دهیم. برای این کار آزمون اف. لیمر اجرا می‌شود. اگر در این آزمون، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، داده‌ها پنل (تابلویی) محسوب می‌شوند و در غیر این صورت پول (ترکیبی) هستند. بعد از مشخص شدن نوع داده‌ها باید اثرهای ثابت و تصادفی بودن آنها مشخص شود. برای این کار نیز آزمون هاسمن اجرا می‌شود، در این آزمون اگر سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، اثرها ثابت‌اند و در غیر این صورت تصادفی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه متغیر وابسته در فرضیه دوم یک متغیر مجازی (صفر یا یک) است بنابراین، از رگرسیون لجستیک در فرضیه دوم استفاده شده است که دیگر بحث اثرات ثابت و تصادفی کلا منتفی است و تنها فرضیه اول و سوم پژوهش نیازمند این آزمون می‌باشد.

جدول ۵. نتایج آزمون اف. لیمر و هاسمن

نتایج آزمون هاسمن			نتایج آزمون اف. لیمر			فرضیه
نتیجه	احتمال	آماره	نتیجه	احتمال	آماره	
اثرهای ثابت	۰/۰۰۷	۲۴/۲۳	ترکیبی	۰/۰۵۵	۱/۲۱۵	فرضیه اول پژوهش
اثرهای ثابت	۰/۰۰۰	۵۲۳/۰۵	تابلویی	۰/۰۰۰	۳/۰۵۳	فرضیه سوم پژوهش

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر بیش اطمینانی مدیران دارد. نتایج تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون خطی فرضیه پژوهش به شرح جدول ۶ است. برای بررسی معناداری کل مدل از آماره F استفاده می‌شود. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در جدول ۶ (معناداری مدل $0/0000$) معناداری مدل به تأیید می‌رسد و مشخص می‌شود حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی مخالف صفر است. برای بررسی برقرار بودن فرض عدم خودهمبستگی در نتایج معادله رگرسیونی، از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. مقدار دوربین واتسون ($2/078$) نشان می‌دهد بین باقی مانده‌ها خود همبستگی نوع اول وجود ندارد. با توجه به ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل ($0/387$) می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیر مستقل کیفیت حسابرسی با متغیر وابسته بیش اطمینانی مدیران، رابطه معناداری وجود ندارد، بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید نمی‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه اول

$MO_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \alpha_6 EXPORT_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 SRC_{it} + \alpha_9 BOI_{it} + \alpha_{10} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$				
معناداری	انحراف استاندارد	آماره t	ضرایب مدل	متغیرها
۰/۸۶۱	۰/۱۲۹	-۰/۱۷۵	-۰/۰۲۳	مقدار ثابت مدل (α_0)
۰/۳۸۷	۰/۰۱۰	۰/۸۶۶	۰/۰۰۸	کیفیت حسابرسی (AQ)
۰/۷۳۲	۰/۰۷۱	۰/۳۴۲	۰/۰۲۴	اهرم ($OLEV$)
۰/۹۴۲	۰/۰۰۷	-۰/۰۷۳	-۰/۰۰۱	اندازه شرکت ($SIZE$)
۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۵/۲۴۰	۰/۱۳۹	رشد فروش ($GROWTH$)
۰/۰۱۶	۰/۰۸۵	۲/۴۱۵	۰/۲۰۵	وجه نقد عملیاتی (OCF)
۰/۶۷۷	۰/۰۲۳	-۰/۴۱۷	-۰/۰۱۰	صادرات ($EXPORT$)
۰/۴۴۴	۰/۰۰۱	-۰/۷۶۵	-۰/۰۰۱	مالکیت نهادی (IO)
۰/۱۷۷	۰/۰۲۳	۱/۳۵۳	۰/۰۳۱	سهامدار دارای حق کنترل (SRC)
۰/۳۴۷	۰/۰۵۷	۰/۹۴۲	۰/۰۵۴	استقلال هیئت مدیره (BOI)
۰/۵۱۷	۰/۰۲۰	-۰/۶۴۸	-۰/۰۱۳	سن شرکت (AGE)

$MO_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \alpha_6 EXPORT_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 SRC_{it} + \alpha_9 BOI_{it} + \alpha_{10} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیرها	ضرایب مدل	آماره t	انحراف استاندارد	معناداری
ضریب تعیین	۰/۰۵۷۷	معناداری مدل		۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۴۲۳	دورین واتسون		۲/۰۷۸
آماره F	۳/۷۳۹	تعداد مشاهدات		۶۸۴

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر احتمال تقلب دارد. نتایج تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون لجستیک فرضیه دوم در جدول ۷ درج شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه دوم

$PROBM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \alpha_6 EXPORT_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 SRC_{it} + \alpha_9 BOI_{it} + \alpha_{10} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیرها	ضرایب مدل	آماره t	انحراف استاندارد	معناداری
مقدار ثابت مدل (α_0)	۰/۳۱۸	۰/۸۵۰	۰/۳۷۵	۰/۳۹۶
کیفیت حسابرسی (AQ)	-۰/۰۵۲	-۳/۳۸۳	۰/۰۱۵	۰/۰۰۱
اهرم ($OLEV$)	۰/۴۰۶	۳/۵۰۶	۰/۱۱۶	۰/۰۰۱
اندازه شرکت ($SIZE$)	۰/۰۹۴	۳/۰۰۴	۰/۰۳۱	۰/۰۰۳
رشد فروش ($GROWTH$)	۰/۱۷۰	۵/۸۲۰	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰
وجه نقد عملیاتی (OCF)	۰/۱۴۳	۱/۱۸۸	۰/۱۲۰	۰/۲۳۵
صادرات ($EXPORT$)	۰/۰۷۳	۱/۳۵۳	۰/۰۵۴	۰/۱۷۷
مالکیت نهادی (IO)	۰/۰۰۱	۰/۵۵۰	۰/۰۰۱	۰/۵۸۳
سهامدار دارای حق کنترل (SRC)	۰/۱۰۱	۱/۵۰۹	۰/۰۶۷	۰/۱۳۲
استقلال هیئت مدیره (BOI)	۰/۰۴۰	۰/۴۱۴	۰/۰۹۶	۰/۶۷۹
سن شرکت (AGE)	-۰/۳۴۹	-۴/۶۳۰	۰/۰۷۵	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۳۱۸۲	معناداری مدل		۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۷۰۳	دورین واتسون		۲/۲۸۸
آماره F	۲/۱۵۱	تعداد مشاهدات		۱۰۲۲

برای بررسی معناداری کل مدل از آماره t استفاده می‌شود. با توجه به احتمال آماره t محاسبه شده در جدول ۷ (معناداری مدل ۰/۰۰۰)، معناداری مدل به تأیید می‌رسد و مشخص می‌شود حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی مخالف صفر است. نتایج مدل نشان‌دهنده

آن است که بین متغیر مستقل کیفیت حسابرسی با متغیر وابسته احتمال تقلب رابطه معناداری برقرار است، همچنین با توجه به ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل (۰/۰۵۲-) می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیر مستقل و وابسته رابطه منفی وجود دارد و با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال تقلب کاهش می‌یابد، بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه سوم

$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \alpha_6 EXPORT_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 SRC_{it} + \alpha_9 BOI_{it} + \alpha_{10} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیرها	ضرایب مدل	آماره t	انحراف استاندارد	معناداری
مقدار ثابت مدل (α_0)	۰/۲۲۱	-۲/۳۷۶	۰/۰۹۳	۰/۰۱۸
کیفیت حسابرسی (AQ)	-۰/۰۳۰	-۷/۹۱۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰
اهرم ($OLEV$)	۰/۰۰۴	۰/۱۴۵	۰/۰۲۹	۰/۸۸۵
اندازه شرکت ($SIZE$)	۰/۰۵۰	۶/۵۱۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰
رشد فروش ($GROWTH$)	۰/۰۲۲	۳/۰۳۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲
وجه نقد عملیاتی (OCF)	-۰/۸۴۶	-۲۸/۰۵۸	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰
صادرات ($EXPORT$)	۰/۰۱۳	۰/۹۹۱	۰/۰۱۳	۰/۳۲۲
مالکیت نهادی (IO)	-۰/۰۰۱	-۰/۹۷۳	۰/۰۰۱	۰/۳۳۱
سهامدار دارای حق کنترل (SRC)	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳۹	۰/۰۱۷	۰/۹۶۹
استقلال هیئت مدیره (BOI)	-۰/۰۳۹	-۱/۶۲۰	۰/۰۲۴	۰/۱۰۶
سن شرکت (AGE)	-۰/۱۰۲	-۵/۴۰۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۶۰۷۲	معناداری مدل		۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۲۲۶	دوربین واتسون		۱/۸۸۳
آماره F	۷/۱۷۸	تعداد مشاهدات		۱۰۲۸

برای بررسی معناداری کل مدل از آماره F استفاده می‌شود. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در جدول ۸ (معناداری مدل ۰/۰۰۰۰) معناداری مدل به تأیید می‌رسد و مشخص می‌شود حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی مخالف صفر است. برای بررسی برقرار بودن فرض عدم خودهمبستگی در نتایج معادله رگرسیونی، از آزمون دوربین واتسون استفاده شده

است. مقدار دوربین واتسون ۱/۸۸۳ به دست آمد که با توجه به جدول مقادیر دوربین واتسون، می توان گفت بین باقی مانده ها خودهمبستگی نوع اول وجود ندارد. نتایج مدل نشان دهنده آن است که بین متغیر مستقل کیفیت حسابرسی با متغیر وابسته مدیریت سود رابطه معناداری برقرار است، همچنین با توجه به ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل (۰/۰۳۰-) می توان نتیجه گرفت که بین متغیر مستقل و وابسته رابطه منفی وجود دارد و با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود کاهش می یابد، بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید می شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی فرضیه پژوهش برابر با ۰/۵۲۲۶ است که این مقدار نشان می دهد حدود ۵۲ درصد رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود که این امر بیانگر ارتباط بالای متغیر وابسته با متغیرهای مستقل و کنترلی است.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر بیش اطمینانی مدیران پرداخت. نتیجه فرضیه اول پژوهش نشان داد کیفیت حسابرسی (که با استفاده از چهار مولفه: تخصص حسابرس در صنعت، شهرت حسابرس، دوره تصدی حسابرس و استقلال حسابرس اندازه گیری شد) تأثیر معناداری بر بیش اطمینانی مدیران ندارد که برای نتیجه این فرضیه می توان دو حالت ممکن را در نظر گرفت: حالت اول) مدیران شرکتهای بورسی؛ آنهایی که از خدمات حسابرسان با کیفیت بالاتری بهره می برند و آنهایی که حسابرسان به نسبت با کیفیت پایین تری را به خدمت گرفته اند؛ احتمال رویداد مساعد و رویدادهای نامساعد را بطور معناداری دستکاری نکرده اند، حالت دوم) حسابرسان شرکتهایی که از بهترین کیفیت حسابرسی بهره می برند نتوانسته اند بیش اطمینانی مدیران را کنترل نماید. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رحیمیان و حسنی القار (۱۳۹۴) مطابقت دارد و با نتایج پژوهش المندیر و تیت (۲۰۰۵)، دوئلمن، هارویتز و سان (۲۰۱۵) و شراند و زچمن (۲۰۱۱) مطابقت ندارد.

مهمترین عاملی که پژوهشگران این تحقیق را بر آن داشت تا در فرضیه دوم و سوم پژوهش به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر احتمال گزارشگری متقلبانانه پردازند رسوایی های مالی اخیر در شرکتهای نظیر انرون و ورلد کام بود که سبب شد حجم وسیعی

از ادبیات جدید در حوزه کیفیت سود و پدیده مدیریت سود ایجاد شود. همانطور که اشاره شد در سال‌های اخیر، بازارهای مالی ایالت متحده با افشای متعدد اعمال متقلبانانه برخی شرکت‌ها به طور جدی متضرر شده‌اند. ورلد کام، انرون، آدلفیا، گلوبال کروسینگ و تایکو فقط تعداد اندکی از رسوایی‌های صورتهای مالی هستند که بازار سهام را دچار نوسان کرده و باعث سلب اعتماد عمومی شده‌اند. این رسوایی‌ها موجب شده انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی نشانه رود و کیفیت حسابرسی به عنوان عاملی بازدارنده در گزارشگری متقلبانانه مورد تردید جدی قرار گیرد. فرضیه دوم و سوم پژوهش به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر احتمال گزارشگری متقلبانانه پرداخت. نتیجه فرضیه دوم و سوم نشان داد کیفیت حسابرسی اثر منفی و معناداری بر احتمال تقلب و مدیریت سود دارد یعنی با افزایش کیفیت حسابرسی احتمال گزارشگری متقلبانانه کاهش می‌یابد. این نتایج نشان می‌دهد همانطور که از دیرباز خدمات حسابرسی نقش مهمی را در اعتباردهی به صورتهای مالی و جلب اطمینان سرمایه‌گذاران ایفا کرده است، حسابرسی‌های با کیفیت می‌توانند نقش مهمی در محدود کردن این رویه‌های فرصت طلبانه داشته باشند. یکی از راه‌های مؤثر در کنترل میزان استفاده از اقلام تعهدی اختیاری توسط مدیریت، افزایش کیفیت حسابرسی می‌باشد که نقش مهمی در هشدار به استفاده کنندگان صورتهای مالی به نسبت میزان استفاده از مدیریت سود را دارد. حسابرسی با کیفیت تر صحت اطلاعات ارایه شده را بهبود می‌بخشد و به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد تا برآورد دقیق تری از ارزش شرکت به دست آورند. موسسات حسابرسی صاحب نام به منظور حفظ اعتبار و شهرت خود، تلاش بیشتری در جهت شناسایی میزان استفاده مدیران از اقلام تعهدی اختیاری و در نتیجه جلوگیری از استفاده این اقلام می‌نمایند، لذا با افزایش کیفیت حسابرسی احتمال جلوگیری از مدیریت سود و گزارشگری متقلبانانه افزایش یابد و کیفیت گزارشات مالی بهبود می‌یابد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، اعتمادی و عبدلی (۱۳۹۶)، راسمین و همکاران (۲۰۱۴)، لسیک و همکاران (۲۰۱۴)، وان چون و همکاران (۲۰۱۱)، زنگین و سردار (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر رابطه منفی بین کیفیت حسابرسی با احتمال تقلب و مدیریت سود تایید شده است، بنابراین به سرمایه‌گذاران توصیه می‌گردد تا در هنگام خرید سهام، کیفیت حسابرسی و شاخص‌های آن را مورد توجه قرار دهند، زیرا رعایت این

فاکتورها اثر منفی بر میزان تقلب و مدیریت سود دارد، به عبارت دیگر افزایش کیفیت حسابرسی موجب کاهش تقلب و مدیریت سود می‌گردد و در بلندمدت می‌تواند باعث بهبود کیفیت گزارشات مالی و افزایش ارزش شرکت شود، حسابرسی با کیفیت بالاتر دقت اطلاعات حسابداری را بهبود میبخشد و به استفاده کنندگان، به خصوص سرمایه گذاران، فرصت می‌دهد با اعتماد بیشتری وضعیت مالی و نتایج عملکرد شرکت را تحلیل کنند. به سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌گردد تا معیارهای دقیق‌تر و کامل‌تری را برای تعیین موسسات حسابرسی معتمد خود تعیین نماید تا از این طریق کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد.

یادداشت‌ها:

- | | |
|------------------------------|-----------------------------|
| 1. Nofsinger | 2. Schrand & Zechman |
| 3. Willenborg | 4. Jensen & Meckling |
| 5. DeAngelo | 6. Palmrose |
| 7. Watts & Zimmerman | 8. Overconfidence |
| 9. Hsieh, Bedard & Johnstone | 10. Duellman, Hurwitz & Sun |
| 11. Dang Li . | 12. Louis |
| 13. Mishael, Meyer & Rigs | 14. Dunn & Mayhew |
| 15. Craswell | 16. Balsam |
| 17. Krishnan | 18. Francis |
| 19. Reichelt & Wang | 20. Kwon |
| 21. Bartov | 22. Becker |
| 23. Zhou & Elder | 24. Ahsen |
| 25. Choi | 26. Li |
| 27. Abbot | 28. Rusmin |
| 29. Lisc | 30. Rijsenbilt & Commandeur |
| 31. Wuchun | 32. Zengin & Ozkan. |
| 33. Ahmed & Duellman | 34. Beneish |
| 35. Sun & Liu | 36. Panel data |
| 37. Pool data | |

منابع

- آذر، عادل، مؤمنی، منصور، (۱۳۹۰)، آمار و کاربردان در مدیریت جلد اول (چاپ هجدهم)، تهران، انتشارات سمت.
- ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی‌نسب، علی، باغیان، جواد، (۱۳۹۶)، تأثیر کیفیت حسابرسی و رعایت حقوق سهامداران بر احتمال گزارشگری متقلبانه. دانش حسابرسی، ۱۷، ۶۹، ۱۲۵-۱۴۹.

- ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی‌نسب، علی، ممشلی، رضا، (۱۳۹۵)، تأثیر بحران مالی بر کیفیت سود، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳، ۴، ۴۳۴-۴۱۵.
- اعتمادی، حسین، عبدلی، لیلا، (۱۳۹۶)، کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت‌های مالی، فصلنامه دانش حسابداری مالی، ۴، ۴، ۲۳-۴۳.
- اعتمادی، حسین، محمدی، امیر، ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس و کیفیت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱، ۱، ۱۷-۳۲.
- احمدپور، احمد، توکل نیا، اسماعیل، معصومی، تکتم، (۱۳۹۴)، بررسی اثر تعدیلی تخصص حسابرس در صنعت بر ارتباط بین راهبری هیئت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی: شواهد تجربی از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۴، ۱۵، ۹۳-۱۰۶.
- بادآور نهندي، یونس، تقی زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰، ۲، ۱۹-۴۲.
- پاک مرام، عسگر، بحری ثالث، جمال، (۱۳۹۶)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶، ۲۳، ۱۳۰-۱۱۷.
- حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه، (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷، ۱۷، ۹۶-۸۳.
- حساس یگانه، یحیی، حسنی القار، مسعود، مرفوع، محمد، (۱۳۹۴)، بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲، ۳، ۳۶۳-۳۸۴.
- حسنى القار، مسعود، رحیمیان، نظام الدین، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ساختار سررسید بدهی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶، ۱، ۱۰۶-۸۹.
- رحیمیان، نظام الدین، حسنی القار، مسعود، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری مالی، ۲، ۴، ۷۱-۸۸.

خبرگزاری مشرق، (۱۳۹۶)، ۸۰ درصد اقتصاد کشور در دست دولت، کد خبر: ۷۶۱۰۹۷.

خرم، فاطمه، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود در شرکتهای با سهام گران قیمت، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه سمنان.

خواجوی، شکراله، ابراهیمی میمند، مهدی، (۱۳۹۴)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه‌های سود، مجله دانش حسابداری، ۶، ۲۲، ۲۹-۵۶.
خواجوی، شکراله، ابراهیمی، مهرداد، (۱۳۹۶)، مدل سازی متغیرهای اثرگذار برای کشف تقلب در صورتهای مالی با استفاده از تکنیک های داده کاوی، فصلنامه حسابداری مالی، ۹، ۳۳، ۲۳-۵۰.

کردستانی، غلامرضا، تاتلی، رشید، (۱۳۹۵)، پیش بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۳، ۱، ۹۶-۷۳.

کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه، محمدی، امیر، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابررس و مدیریت سود، فصلنامه دانش حسابداری، ۲، ۴، ۶۵-۸۲.
عرب کیاسری، محسن، عبدی، سامان، (۱۳۹۴)، طراحی و تحلیل بازی استراتژیک مدیر-سهامدار: به کارگیری نظریه های بازی، مدیریت سود و حاکمیت شرکتی، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۲، ۲، ۲۲۱-۲۴۲.

عرب صالحی، مهدی، هاشمی، مجید، (۱۳۹۴)، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۲، ۱، ۸۵-۱۰۴.

عباس زاده، محمدرضا، محمدی، جمال، (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر استقلال حسابرسان دیوان محاسبات کشور، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۶، ۲۱، ۱-۲۸.
علی نژاد، مهدی، بحرینی، مریم، (۱۳۹۲)، تأثیر سرمایه گذاران نهادی و تمرکز مالکیت بر فرصتهای سرمایه گذاری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مالی، ۵، ۱۹، ۹۱-۱۰۹.

علی نژاد، مهدی، تارفی، ستاره، (۱۳۹۶)، تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تأمین مالی، فصلنامه دانش حسابداری، ۸، ۲، ۱۵۹-۱۸۰.

- صفرزاده، محمدحسین، (۱۳۹۲)، تأثیر رعایت حقوق سهامداران بر کیفیت سود، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳، ۸، ۱۴۷-۱۷۲.
- فروغی، داریوش، نخبه فلاح، زهرا، (۱۳۹۳)، تأثیر بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶، ۱، ۲۷-۴۴.
- قادری، کاوه، قادری، صلاح‌الدین، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری و بر مبنای اقلام واقعی. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۷، ۲، ۲۱-۴۰.
- مشایخی، بیتا، مهران، ساسان، مهران، کاوه، کرمی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲، ۴۲، ۶۱-۷۴.
- مرادی، جواد، قدیریان آرانی، محمدحسین، (۱۳۹۶)، بیش اطمینانی مدیریت و تجدید ارائه صورتهای مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفتهای حسابداری، ۹، ۱، ۱۶۹-۱۹۲.

Abbot, J.L., Park, Y. and Parker, S. (2000), The effects of audit committee activity and independence on corporate fraud', *Managerial Finance*, 26, 11, 55-67.

Abbas zadeh, Mohammadreza, Mohammadi, Jamal, (2014), Investigating the Factors Affecting the Independence of Auditors of the State Accounting Court, *Financial Accounting Journal*, 6, 21, 1-28. [In Persian]

Ahmed, A. & Duellman S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51 (1), 1- 30.

Ahmadpour, Ahmad, Tavakolnia, Esmail, Masoomi, Toktam, (2015), Investigating the Moderating Effect of Auditor industry specialization on the Relationship between Board Governance and Accruals Based Earnings Management: Empirical Evidence from Companies Listed in Tehran, *Journal Management System*, 4, 15, 93-106. [In Persian]

Ahsen, H., (2011). Audit firm industry specialization and audit outcomes: insights from academic literature. *Research in Accounting Regulation*, 23 (1), 114-129.

Alinejad, Mahdi, Bahreyni, Maryam, (2013), The Impact of Institutional Investors and the Focus of Ownership on Investment Opportunities in Companies Listed in Tehran Stock Exchange, *Financial Accounting Journal*, 5, 19, 91-109. [In Persian]

Alinejad, Mahdi, Tarfi, Setareh, (2017), Impact of Management Ability on Financing Policy, *Accounting knowledge*, 8, 2, 159-180. [In Persian]

Arab kiasari, Mohsen, Abdi, Saman, (2015), Design and analysis of Manager- Shareholder strategy game: An application of game, earnings management and corporate governance theories, *Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22, 2, 221-242. [In Persian]

Arab salehi, Mahdi, Hashemi, Majid, (2015), The Effect of Managerial Overconfidence on Tax Avoidance, *Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22, 1, 85-104. [In Persian]

Azar, Adel, Momeny, Mansoor, (2011), *Statistics and its application in management volume 1* (18th Edition), Tehran, Samt publication. [In Persian]

Badavar nahandi, Younes, Taghei zadeh khanghah, Vahid, (2013), The Relationship between Audit Quality and Investment Efficiency, *Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20, 2, 19-42. [In Persian]

Bartov, Ferdinand and Judy. (2000). Discretionary accruals models and audit qualifications, *Journal of Accounting and Economic*, 30, 3, 421-452.

Balsam, S., J. Krishnan, and J. Young. (2003). Auditor industry specialization and earnings quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22, 2, 71-97.

Becker, C., M. DeFond, J. Jiambalvo, and K. R. Subramanyam. (1998). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 15, 1, 1-24.

Beneish, M. D. (1999). The Detection of Earnings Manipulation. *Financial Analysts Journal*, 55 (5): 24-36.

Choi, J. H., Kim, C., Kim, J. B. and Zang, Y., (2010). Audit office size, audit quality, and audit Pricing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29, 1, 73-97.

Craswell, A., Francis, J., & Taylor, S. (1995). Auditor brand name reputation and industry specialization. *Journal of Accounting and Economic*. 353-375.

DeFond, M., J. Francis, and T.J. Wong. (2000). Auditor industry specialization and market segmentation: Evidence from Hong Kong. *Auditing: A Journal of Theory and Practice* 19, 1, 49–66.

Dunn, K., and B. Mayhew. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies* 9, 1, 35–58.

Ebrahimi, Seyed Kazem, Bahraminasab, ali, Baghyan, Javad, (2017), Impact of audit quality and shareholder rights on the likelihood of fraudulent reporting, *Audit Science*, 17, 69, 125-149. [In Persian]

Ebrahimi, Seyed Kazem, Bahraminasab, ali, Mamashli, Ali, (2016). The effect of financial crisis on earning quality. *Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (4): 415-434. [In Persian]

Etemadi, Hossein, Abdoli, Leila, (2017), Audit Quality and Financial statement fraud, *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 4, 4, 23-43.

Etemadi, Hossein, Mohammadi, Amir, Nazemi ardakani, Mahdi, (2019), The Relationships between Auditor Industry Specialization and Earnings Quality in Listed Companies on Tehran Stock Exchange, *Financial accounting researches*, 1, 1&2, 17-32. [In Persian]

Foroghi, Daryoush, Nokhbeh fallah, Zahrah, (2014), The Effect of Managerial Overconfidence on Conditional and Unconditional Conservatism, *Financial accounting researches*, 6, 1, 27-44. [In Persian]

Francis, J, K. Reichelt, and D. Wang. (2005). The pricing of national and city-specific reputations for industry expertise in the U.S. audit market. *The Accounting Review*, 80, 1, 113–136.

Francis, J. R., and Yu, M. D., (2009). Big 4 office size and audit quality. *The Accounting Review*, 84, 5, 1521-1552.

Dang Li. Brown Kavin F and MC Cullough. Assessing audit quality: A Value Relevance Perspective 2004.

Davidson, R.A., and Neu, D. (1993). A note on the association between audit firm size and audit quality. *Contemporary Accounting Research*, 9, 479–488.

DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3, 183-199.

Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11, 2, 148-165.

Ghaderi, Kaveh, Ghaderi, Salahodin, (2017), Investigating the impact of stock liquidity on earnings management based on optional accruals and real items, *Journal of Accounting Research*, 7, 2, 21-40. [In Persian]

Hasani alghar, Masoud, Rahimian, Nezamoddin, (2017), The Effect of Managerial Overconfidence on Debt Maturity Structure in Listed Companies in Tehran Stock Exchange, *Asset Management & Financing*, 6, 1, 89-106. [In Persian]

Hassas yeganeh, Yahya, Azinfar, Kaveh, (2010), The relationship between audit quality and audit firm size, *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 17, 61, 83-96. [In Persian]

Hassas yeganeh, Yahya, Hassani alghar, Masoud, Marou, Mohammad, (2015), Managerial overconfidence and audit fees, *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 22, 3, 363-384. [In Persian]

Henock Louis. Acquirers Abnormal Returns, Audit Firm Size and the Small Auditor Clientele Effect, *Journal of accounting and economics* 2005.

Hsieh, T., Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9-10): 1243-1268.

Jeong, S. W., and Rho, J. (2004). Big six auditors and audit quality: The Korean evidence. *International Journal of Accounting*, 39, 175-196.

Jensen, M.C., and Meckling W.H., (1976); "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure", *Journal of Financial Economics* (October): 305-360.

Karami, Gholamreza, Bazrafshan, Ameneh, Mohammadi, Amir, (2011), Examine the relationship between auditor tenure and earnings management, *Journal of Accounting Knowledge*, 2, 4, 65-82. [In Persian]

Khajavi, Shokrollah, Ebrahimi meymand, Mahdi, (2015), The relationship between audit quality and earnings management with a view to achieving profit thresholds, *Accounting knowledge*, 6, 22, 29-56. [In Persian]

Khajavi, Shokrollah, Ebrahimi, Mehrdad, (2017), Modeling effective variables to detect fraud in financial statements using data mining techniques, *Journal of Financial Accounting*, 9, 23, 23-50. [In Persian]

Khorram, Fatemeh, The Impact of Audit Quality on Earnings Quality in Companies with Expensive Stocks, MSc in Accounting, Semnan University. [In Persian]

Kordestani, GH. R., Tatli, R. (2016). The Prediction of Earnings Manipulation: Development of a Model, *Journal of The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (1): 73-96. [In Persian]

Krishnan, G. (2003). Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management? *Accounting Horizons*, 17, 1-16.

Kwon, S.Y., Lim, C.Y. and Tan, P.M., (2007). Legal systems and earnings quality: The role of auditor industry specialization. *auditing: A Journal of Practice & Theory*, 26, 25-55.

Li, D. (2007). "Auditor tenure and accounting conservatism". *PhD Thesis, Georgia Institute of Technology*.

Lisic LL, Silveri S, Song Y, Wang K, (2015), Accounting fraud, auditing, and the role of government sanctions in China, *Journal of Business Research*, 68 (6): 1186-1195.

Mashayekhi, Bita, Mehrani, Sasan, Mehrani, Kaveh, Karami, Gholamreza, (2005). The role of discretionary accruals in earnings management of listed companies in tehran stock exchange (TSE), *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 12, 42, 61-74. [In Persian]

Mishael J, Meyer John, T Rigs, (2007) The impact of auditor – client relationships on the reversal of first –time audit qualifications, *Managerial Auditing journal*: 53 – 55.

Moradi, Javad, Ghadirian arani, Mohammad hossein, (2017), Overconfidence Management and Financial Statements: Evidence from the Tehran Stock Exchange, *Journal of Accounting Advances*, 9, 1, 169-192. [In Persian]

Nofsinger, J. R. (2001). *Investment Madness: How Psychology Affects your Invest in--and What to Do About It*. London: Pearson Education.

Pakmaram, Asgar, Bahri sales, Jamal, (2017), The Impact of Audit Quality on Earnings Management: An Experimental Study with Evidence from IPO, *Journal management system*, 6, 23, 117-130. [In Persian]

Palmrose, Z.V. (1988). An Analysis of auditor litigation and audit service quality. *Accounting Review*, 63, 55-73.

Rahimian, Nezamodin, Hassani alghar, Masoud, (2015), An Investigation into the Relationship between the Managerial Overconfidence and Using Industry Specialist Auditor in the Firms Listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 2, 4, 71-88. [In Persian]

Reichelt, K. J., and D. Wang. (2010). National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality. *Journal of Accounting Research*, 48, 3, 647-686.

Rijsenbilt, A. & Commandeur, H. (2013). Narcissus Enters the Courtroom: CEO Narcissism and Fraud. *Journal of Business Ethics*, 117 (2):413-429.

Rusmin R, Astami E.W, Hartadi B, (2014), The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management, *Asian Review of Accounting*, 22 (3): 217 – 232.

Safarzadeh, Mohammad hossein, (2013), The Impact of Shareholder Rights on Earnings *Quality*, *Empirical Accounting Research*, 3, 8, 147-172. [In Persian]

Sun, J., Liu, G. (2013). Auditor industry specialization, board governance, and earnings management. *Managerial Auditing Journal*, 28 (1): 45-64.

Schranda, C. M., & Zechman, S. L. C. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, Volume 53 (1-2), 311-329.

Watts, RL. And J. L. Zimmerman. (1986). Positive Accounting Theory. Prentice-Hall Inc, Englewood Cliffs, N.J.

Willenborg, M. (1999). Empirical analysis of the economic demand for auditing in the initial public offering market. *Journal of Accounting Research*, 37, 225-238.

Willenborg, M. (2002). "Discussion of brand name audit pricing, industry specialization, and leadership premiums post-big 8 and 6 mergers", *Journal of Accounting and Economics*, 33: pp, 91-115.

Wuchun, Chi. Ling Lei, Lisic. Mikhail, Pevzner. (2011). "Is

Enhanced Audit Quality Associated with Greater Real Earnings Management?”. *Accounting Horizons*, 25 (2): 83 -108.

Zengin, Yasemin. Serdar, Ozkan. (2010). “audit quality and earnings management in interim financial reports”. www.SSRN.com

Zhou, J., and Elder, R., (2004). Audit quality and earnings management by seasoned equity offering firms. *Asia Pacific Journal of Accounting and Economics*, 11, 2, 95-120.